



۲۰۲۲/۰۵/۲۶

کандید اکادمیسین سیستانی / مختصات افغانستان، بخش: خدمتگذاران

معرفی «شیرخان» در قاموس کبیر افغانستان نقش شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی شمال شرق افغانستان

برخی از شخصیت‌های پشتون که به صوابدید دولت افغانستان به شمال کشور مقیم شده اند، مصدر خدمات فراموش نشدنی نیز شده اند که یکی از آنها شیرخان خروتی پدر کلان فرهاد دریا هنرمند معروف است. شیرخان یکی از افغانهایی مبتکر، متشبت خلاق ومدنیت گستر در شمال کشور بوده است که بندری بنامش در شمال افغانستان بین تاجکستان و افغانستان نامگذاری شده است. وتوسط پلی بردریای آمو تاجکستان را با افغانستان ارتباط میدهد.



Av Daud Safi



شیر خان ناشر از طایفه خروتی (قوم غلجائی) یکی از بزرگان و خانان و زمینداران بزرگ و مشهور خروتی معاصر امان الله خان و نادر خان بود. پس از آنکه حبیب‌الله کلکانی مشهور به بچه سقاو از دست نادر خان شکست خورد، قوای شیرخان به قصد سرکوب یاغیان سقوی به شمال افغانستان گماشته شد. شیرخان تمام اشرار سقوی وباسمه چیهای متعلق به ابراهیم لقی را که از بچه سقاو حمایت کرده بودند سرکوب ومجبور به فرار به آنسوی پارادریا (رودآمو) نمود. نادرشاه به منظور استقرار اوضاع فرمان می‌دهد تا شیرخان و افراد او در ولایت کندز بطوردايم اقامت اختیار نمایند. شیرخان در سال ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۰) به صفت والی قطغن وبدخشان مقرر میشود. غلام سرور ناشر یکی از فرزندان شیرخان در شهر کندز [کهنده] مراکزی چون شیر خان بندر، شرکت تولید روغن «سپن زر»، هوتل سپن زر، و لیسه شیرخان وغیره را تأسیس می‌نماید.

سایت «مندیگ» به نقل از «صفیه حلیم» نویسنده ومحقق پشتون روایت میکندکه : یک قرن قبل شخصی بنام شیرخان خروتی، از قره باغ غزنی به هند رفت ودر آنجا به با پول شخصی خود به تجارت پرداخت و سپس از هند به آسیای مرکزی و روسیه رفت ودر سمرقند کتابهای کمیاب دینی وتاریخی را دست یاب و محررین فارسی زبان را استخدام میکند تا آنها را بفارسی برگردانند. وقتی امیر امان الله خان از این اقدام او مطلع میگردد، او را فرامیخواند وبخاطر چاپ این کتابها به او مدال درجه اول معارف را با لقب «ناشر» اعطامیکند. من باری از فرهادریا در فیسبوک پرسیدم که نام کتابهای که شیرخان توسط مترجمان سمرقندی ترجمه و چاپ کرده بودند، اگر وجود داشته باشدبمن بگویدولی جوابی نگرفتم.

شیرخان ناشر در دوره سقوی به دیره اسماعیل خان میرود. در عهد نادرشاه ابتدا بحیث ولسوال اورگون وبعد بحیث نایب الحکومه قطغن وبدخشان مقرر میگردد. اوپس از تصفیه باسمه چی های

بخارائی به آنسوی آمودریا، در قندوز پلان شهری را پیاده میکند و با کشیدن سرکها و تمديد پایه های تلفون، شرکت «روغن پنبه دانه» را تاسیس میکند. او برای کارگران شرکت خود خانه و کلینیک صحتی و مکتب میسازد.

شیرخان در سال 1930 زمین های فزل قلعه را برای ساختن یک بندرتجارتی آماده مینماید و دفترهای گمرک و خانه های نشیمن برای مامورین و مکتب و کلینیک صحتی اعمار میکند که بعد بنام بندر شیرخان نامیده شد.

پس از آنکه فابریکه روغن سپین زر به همت و تلاش سرور ناشر فرزند شیرخان ناشر در قندز فعال گردید ، مردم بغلان و قندز به کشت پنبه و لبلبو روی آوردند و ناقلین پشتون زمین های دلدزار و باتلاقی قندز و بغلان را با پشتکار و زحمت کشتی خود توانستند به زمین های آباد و حاصلخیز مبدل کنند. و سالانه از زمینهای خود دو بار و سه بار حاصل بگیرند و از این مدرک تحولی در زندگی اقتصادی مردم پدید آمد که بعد از آن بجای، ضرب المثل قدیمی که میگفتند: «**اگر مرگ میخوای قندز برو**» چنین تغییر شکل یافت که: «**اگر مرد میخوای قندوز برو**»

آقای انجنیر احسان الله مایار روزی برایم در تلفون تعریف میکرد که «**در زمان صدراعظم هاشم خان بعد از کشیدن نهر گوهرگان دولت زمینهای تحت آبیاری این نهر را فی جریب به یک قران میفروخت، اما مردم حاضر به خریداری آن زمین ها نبودند. وی افزود که زمین دشت ارچی نیز خاره و لامالک بود تا آنکه دولت مردم بی زمین پشتون را از ولایات جنوب به آنجا اسکان داد و آنها این زمین ها را به زمین های زرخیز مبدل کردند.**»

در ولایات شمال کشور زمینهای لامزروع دولتی همواره بیشتر از زمین های مزروعی است که مردم اسناد مالکیت آنرا بدست دارند. دولت برای استفاده بیشتر از زمینهای لامزرع در وزارت داخله کشور اداره بی بنام ریاست املاک و اسکان ناقلین بوجود آورد تا اشخاص بی زمین و مستحق را از دیگر ولایات پیدا کرده با دادن گندم بذری و حتی پول تقاوی تشویق به رفتن در ولایات شمال کشور نماید. به این ترتیب دولت مردم را بر روی زمین های لامزرع دولتی اسکان و جابجا میکرد. به نظر میرسد که مردم ترکتبار شمال کشور تا دهه 50 قرن بیستم چندان رغبتی به امور کشاورزی نداشتند و بیشتر به مالداري و قالین بافی و تربیه گوسفند قره قل و تجارت پوست قره قل و قالین به خارج علاقه داشتند و بیشتر زمین های شمال کشور به دلیل عدم علاقمندی مردم بومی به کشت و زراعت، خاره و لامزروع شده بود و یا به باتلاق ملاریا زامبدل شده بودند. چنانکه در میان مردم ضرب المثلی بود که میگفتند: «**اگر مرگ میخوای به قندوز برو**»، زیرا که وجود پشه ملاریا واقعاً مردم را میکشت و در قندوز کمبود نیروی بشری احساس میشد، تا آنکه دولت پروژه مجادله با ملاریا را روی دست گرفت و داکتر عبدالرحیم خان را که تازه از آلمان پس از تحصیلات طبی برگشته بود به کندز فرستاد و او برآستی در محومرض ملاریا در شمال کشور نقش بسیار موثر و قابل قدری ایفا کرد و بر اثر همین خدمات خود به حیث وزیر صحت عامه ارتقایافت.

آقای حسن بیژن ، جهانگرد معروف افغان و یک از اهالی قلم و اندیشه که زاده و پرورده قندز است، از چشم دید خود درباره خدمات شیرخان ناشر و پسرش سرور ناشر نکات جالبی بیان کرده میگوید:

«جناب سیستانی صاحب !

برای من که متولد شهر کندز استم و در زمان ریاست جمهوری محمد داود خان از لایسه شیرخان کندز فارغ گردیده ام ، خوانش این مقاله تحقیقی که به نقش شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی شمال شرق افغانستان اختصاص یافته ، از اهمیت ویژه و دلچسپی خاصی برخوردار میباشد. من از صنف اول الی ختم صنف دوازدهم با نام شیرخان و فرزندانش از آن جمله غلام سرور ناشر رئیس اسبق فابریکه سپین زر شرکت و کارکرد های شان به نحوی از انحا آشنایی داشته ام. یکی از پسران کاکای فرهاد دریا که توران نام داشت الی ختم دوره لیسه همصنفی من بود. من یک بخش بزرگی از فعالیت های این خانواده بزرگ را در کندز به چشم سرمشاهده کرده ام. بخشی از کارکرد های این خانواده در کندز و حومه آن که مربوط به دوره شیرخان میشود ، آنرا از زبان پدرم و سایر بزرگان کندز شنیده ام. جای خوشبختی است که اینک با خوانش این مقاله تحقیقی پر محتوا که به همت جناب شما تدوین

یافته ، معلومات آفاقی من در مورد فعالیت های گسترده خانواده ناشر در کندز و مربوطات آن تکمیل گردید.

جناب سیستانی صاحب !

شما به نکات بسیار بسیار ارزنده و حیاتی که ارتباط میگیرد به نقش مثبت خانواده ناشر در کندز به خصوص کارکرد های وطنپرستانه شیرخان ، تماس گرفته اید که برای شخص خودم نهایت آموزنده بوده و از ارزش والایی برخوردار میباشد. آنگونه که من از زبان پدرم و سایر بزرگان کندز شنیده ام ، در آن سالها کندز به یک دلدلزار لامزروع میماند که رفتن و مسکون شدن در کندز به معنی تبعید یک شخص بود. در آن زمان این اصطلاح مروج بود که : «مرگ میخواهی کندز برو» که بعد ها با آباد شدن کندز و آماده شدن زمین کندز به زرع و رشد زراعت ، آن اصطلاح چنین تغییر کرد : «زندگی میخواهی کندز برو». بعد ها کندز چنان آباد و معمور شد که به گدام غله افغانستان شهرت یافت.

جناب سیستانی صاحب !

آباد شدن کندز و تبدیل شدن یک سرزمین وسیع دلدلزار به کشت و زراعت ، فقط و فقط در نتیجه تلاش های خستگی ناپذیر شیرخان بود که بایستی از درگاه ایزد منان روح این مرد بزرگ را شاد بخواهیم. خانواده ناشر نقش بزرگی را در زمینه ترویج علم و معرفت در کندز ایفا کرده است. تاسیس لایسه شیرخان کندز ، تاسیس تیتر و سینما های ناشر ، کتابخانه ناشر ، تاسیس لایسه نسوان کندز ، تاسیس فابریکه سپین زر شرکت در کندز و ایجاد نمایندگی های آن در ولسوالی های کندز و تخار و همچنان تاسیس چمن سپین زر و هوتل و شفاخانه سپین زر را میشود از جمله دستاورد های درخشان تلاش های دلسوزانه و وطنپرستانه غلام سرور ناشر در کندز برشمرد. یادم است وقتی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه ذریعه طیاره مخصوص شان بنام کندهار ، به کندز تشریف میاوردند ، هواپیمای شان در چمن سپین زر پارک می شد و اعلیحضرت تا ختم ایام اقامت شان در کندز ، مهمان غلام سرور ناشر میبودند.»

آقای صالحی یکی دیگر از باشندگان کندز میگوید تصدی سپین شرکت امکانات زیر را برای کارگران خود فراهم کرده بود:

-معاش مناسب ماهوار.

-هفت کیلو روغن نباتی تولید خود تصدی سپین زر.

-هفت کله صابون تولید تصدی سپین زر.

-خانه رهائشی و یا کرایه ماهوار آن.

-تامین انرژی برق حرارتی و یا جنراتور دیزلی.

-مواد محروقاتی برای زمستان از باغ های سپین زر و یا هم پوستک دانه پنبه.

-موجودیت مکتب ابتدایه و یا متوسطه برای اطفال منطقه در اکثر از نماینده گی های سپین زر در ولسوالی ها.

-اعمار یک باب مسجد در هر نماینده گی.

-اعمار و موجودیت کلوپ (هوتل) در هر نماینده گی برای مهمانان دولتی و سپین زر.

-اعطای یک الی سه ماه معاش بخششی بعد از تصفیه بیلانس در اخیر هر سال مالی برای تمام کارمندان سپین زر.

-تداوی مجانی کارگران و کارمندان و اعضای فامیل آنها در شفاخانه مرکزی سپین زر در کندز و فرستادن هیئت صحی برای تداوی موظفین و اعضای فامیل آنها به تمام نماینده گی ها ربع وار در طول سال.

-پرداخت کرایه موتر برای انتقال فامیل کارمند در صورت تبدیلی از یک نماینده گی به نماینده گی دیگر.

-پرداخت تقاعدی نقداً. ووووو

سنگ تهداب ترقی و پیشرفت در همه عرصه های زندگی مردم ولایات کندز، بغلان، تخار و بدخشان توسط شیرخان و خانواده ترقی پسند او گذاشته شده است. ما مردم قطغن زمین مدیون و مرهون این خانواده بزرگ هستیم، خداوند بزرگ همه ی گذشته گان شان را بهشت برین نصیب نماید و بر عمر با برکت زنده های شان بیفزاید، آمین».

آقای عزیز اریب یکی دیگر از فرزندان کندز و بغلان از کارکردهای شیرخان در سمت شمال کشور چنین یاد میکند: «شمال کشور با دستان طلایی و عشق بی پایان و تدبیر و درایت شیرخان ناشر بزرگ، شمال شد و و بنیاد و اساسش تغییر کرد. کندز که نامش با مرگ همراه بود، به سرزمین زندگی و شکوه و جلال مبدل شد. و بعد از شیرخان بزرگ، سرور ناشر راه پدر را تعقیب نمود و در سراسر ولایات کندز، تخار، بدخشان و بغلان این شکوه و جلال را در تمام سطوح تعمیر بخشید. فابریکه های سپین زر را در سطح ولسوالی ها و ولایات تعمیر نمود. کشت پنبه سطح زندگی دهقانان را بلند برد و زمینه کار برای جوانان در فابریکه ها را مساعد ساخت. که من شخص ناظر و شاهد عینی این تغییر بودم. که متأسفانه همه یی این دست آوردها در نتیجه جنگ چهل سال اخیر، محو و نابود شد.

نام بزرگمردان شیرخان ناشر و سرور ناشر در تاریخ کشور و به خصوص در حافظه چندین نسل ولایات شمال کشور برای همیشه باقی خواهد ماند.»

با توجه به نظریات آقای بیژن و آقای صالحی و آقای اریب و دیگر صاحب نظران بغلان و کندز، تردیدی باقی نمی ماند که بر اثر ابتکار و پشت کار شیرخان و خانواده اش و ایجاد تاسیسات صنعتی در قندز و بغلان، ارزش زمین در صفحات شمال کشور بخصوص در قندوز و بغلان بخاطر حاصل دهی محصولات پنبه و لبلبو و دیگر نباتات صنعتی بالا رفت و چون ناقلین پشتون در تولید محصولات زمین خود پیشقدم تر بودند، دشمنان وحدت ملی افغانستان در میان مردم بومی چنین تبلیغ میکردند که حاکمیت پشتونها در افغانستان سبب ستم ملی بر مردم اوزبک و تاجیک صفحات شمال کشور شده و زمین های سمت شمال با زور و عنف از مردم اوزبک و تاجیک شمال گرفته شده و به اقوام پشتون جنوب داده شده است و می باید این مردم دوباره به سرزمین های اصلی خود بجنوب هندوکش برگردند!؟

بدبختانه نتیجه این تبلیغات، اعمال سیاست تصفیة قومی پشتونها در شمال کشور از سوی قوماندانان بیسواد جمعیت اسلامی و جنبش ملی - اسلامی رشید دوستم بود که تا کنون دوبار اقوام پشتون شمال کشور با شقاوت های قومی و تباری روبرو شدند: بار اول در دهه 90 قرن بیستم همزمان با روی کار آمدن حکومت تنظیمهای جهادی و سر بر آوردن رشید دوستم در شمال کشور، سیاست تصفیة قومی مبنی بر اخراج اجباری اقوام پشتون از صفحات شمال روی دست گرفته شد و کسانیکه در تعمیر این تصمیم تعلق می ورزیدند بلا درنگ کشته میشدند. بسیاری از خانواده های پشتون از دم تیغ بی دریغ قوماندانان رشید دوستم و جمعیت اسلامی گذشتند و حتی خرمن های گندم و محصولات به ثمر رسیده شان آتش زده میشد تا اینکه طالبان ظهور کردند و شر آنها را از سر مردم پشتون و غیر پشتون کوتاه ساختند.

بار دوم با سقوط حکومت طالبان توسط بمباردمان های 52B امریکائی، پشتونهای شمال کشور بجرم همزبانی و به بهانه همکاری با طالبان در ولایات فاریاب و بلخ و قندوز و تخار و بدخشان و بغلان و سمنگان و بادغیس و هرات مورد ظلم و تعدی و تجاوز نیروهای ائتلاف شمال قرار گرفتند، خانه ها و مال و دارائی شان به غارت برده شد و بر زنان و ناموس شان تجاوز صورت گرفت. بگزارش بی بی سی، در سال 2002 در حدود 80 هزار نفر از پشتونهای شمال کشور در حالیکه تمام مایملک خود را از دست داده بودند، تنها خود و فرزندان خود را تا جلال آباد و هلمند و قندهار رساندند و در کمپ های بیجا شدگان داخلی پناه گرفتند و حتی تا امروز هم دوباره به محل سکونت اصلی خود باز نگشته اند، زیرا خانه و سرپناه و زمینهای شان از سوی قوماندانان ائتلاف شمال غصب گردیده و بنام افراد زورمند محلی قباله شده است و دولت کرسی و اشرف غنی توانائی تطبیق قانون و رساندن حق به حقدار را در این ولایات نداشتند.

بدون ترنید بسیاری از این آوران اجباری به صفوف طالبان پیوستند تا روزی انتقام خود را از قوماندانان جمعیت اسلامی و جنبش اسلامی دوستم بگیرند. پایان

مختصات افغانستان			
اسم یا کلمه	تصویر	بیوگرافی مختصر	معلومات مکملتر
شیرخان		<p>برخی از شخصیت‌های پشتون که به صوابدید دولت افغانستان به شمال کشور مقیم شده اند، مصدر خدمات فراموش نشدنی نیز شده اند که یکی از آنها شیرخان خروئی پدر کلان فرهاد دریا هنرمند معروف است.</p> <p>شیرخان یکی از افغانهایی مینکر، متشبهت خلاق و مدنیت گستر در شمال کشور بوده است که بندری بنامش در شمال افغانستان بین تاجکستان و افغانستان نامگذاری شده است. و توسط پلی بردریای آمو تاجکستان را با افغانستان ارتباط میدهد.</p> <p>شیر خان ناشر از طایفه خروئی (قوم طجانی) یکی از بزرگان و خاندان و زمینداران بزرگ و مشهور خروئی معاصر امان الله خان و نادر خان بود</p>	<p>نقش شیرخان ناشر در تحولات اقتصادی شمال شرق افغانستان</p> <p>سرمایه دار ملی</p> <p>شعراء، نویسندگان، هنرمندان و خدمتگزاران</p>
جغرافیه			
اسم یا کلمه	کتگوری	معرفی مختصر	
شیرخان بندر	بندر	<p>شیرخان یکی از افغانهایی مینکر، متشبهت خلاق و مدنیت گستر در شمال کشور بوده است که بندری بنامش در شمال افغانستان بین تاجکستان و افغانستان نامگذاری شده است. و توسط پلی بردریای آمو تاجکستان را با افغانستان ارتباط میدهد.</p> <p>این بندر بین افغانستان و تاجکستان در کنار دریای آمو قرار داشته و یکی از بنادر تجارتهی افغانستان میباشد</p>	